



مجتبی اردشیری روزنامه‌نگار

است. اگرچه نمی‌توان از ارتقای شاخه‌های کیفی هنر پس از انقلاب به نسبت روزگار پیش از انقلاب غافل ماند اما باید پذیرفت که در سال‌های اخیر، بسیاری از شاخه‌های هنر، دست‌خوش نامالیماتی شدند که صدای اعتراض فعالان آن عرصه را بلند کرده است.

در حوزه تئاتر، قطعاً، سالن‌های نمایش، در قیاس با ۴۰ سال پیش، از داده‌های آماری بالایی برخوردار بوده و تعداد نمایش‌ها و کیفیت نمایشنامه‌ها نیز قابل مقایسه با آن دوران نیستند؛ همچنان که در روزگار کنونی، درصد آگاهی و دانش آکادمیک و البته تجربی کارگردانان، نمایشنامه‌نویسان و دیگر فعالان این رشته نیز با رشدی مثال‌زدنی مواجه است، اما آیا این شرایط می‌تواند زمینه‌های رضایت کامل فعالان این حوزه را در پی داشته باشد؟ یا ما را با یک رضایت خاطر مطلوب در پاسخ به این پرسش مواجه کند که انقلاب توانسته رسالت خود را در حوزه‌ای مانند تئاتر، به‌خوبی به انجام برساند؟

برای پاسخ به این دغدغه‌ها، به سراغ سه‌ فعال این حوزه رفته‌ایم: هوشنگ توکلی، میکائیل شهرستانی و داوود فتحعلی‌بیگی. سه شخصیتی که به‌واسطه دانش آکادمیک، تجربی و آگاهی از تاریخچه تئاتر از روزگار قدیم تا به امروز و فعالیت در دوره‌های مختلف، گزینه‌هایی درست و قابل توجه برای پاسخ به این دغدغه‌ها هستند.

هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر: چرا حضور تئاتری‌ها در تلویزیون کم شد؟



تئاتر ایران از دهه ۴۰، آرام‌آرام دوباره خودش را بازسازی می‌کند. هنرمندان آن زمان فرهنگ و هنر، برای نخستین‌بار صاحب سالن می‌شوند. تالار «سنگلج» در سال ۴۴،۴۵ افتتاح و آنجا اولین سالن تئاتر رسمی پایتخت می‌شود. در آن دوره، مردم همچنان فاصله خیلی زیادی با تئاتر داشتند و خیلی‌ها حتی اصلاً نمی‌دانستند که هنر تئاتر چیست چون به دلیل حوادث کودتای ۲۸ مرداد و تعطیلی تئاتر و تغییر شکل دادن محتوای درونی تئاترها، مردم عموماً با این هنر بیگانه بودند. زمانی که تئاتر سنگلج افتتاح شد، چند هنرمند که این روزها به‌عنوان بزرگان و پیشکسوتان تئاتر کشور هستند، در آستانه جوانی و فعالیت هنری‌شان، آثار موقتی را روی صحنه بردند که مهم‌ترین آنها نصیریان، انتظامی، رشیدی، کشاورز و کارگردانانی بودند که با اینها کار می‌کردند.

سال به سال تلاش برای تولید آثار درحوزه تئاتر بیضتری می‌شود تا اینکه در دهه ۵۰، تئاتر دیگری برای اهالی تهران معرفی می‌شود و مخصوصاً آن مخاطبانی که کنجکاوتر و فرهنگی‌تر بودند، امیدوار می‌شوند که این تئاترها، بخشی از فعالیت‌های فرهنگی روز جامعه‌شان است. البته تعداد آثاری هم که کار می‌شود، زیاد نیست چون یک سالن تئاتر است و دو، سه گروه حرفه‌ای هستند که کار می‌کنند و اگر بخواهیم یک جمع‌بندی منصفانه‌ای داشته باشیم، در یک دهه، از سال ۴۵ تا سال ۵۵، چیزی نزدیک به ۲۲،۲۲ تئاتر روی صحنه می‌رود.

تئاتر شهر شکل می‌گیرد

در دهه ۵۰، تئاتر شهر «افتتاح می‌شود و بخشی از این هنرمندانی که در کارگاه نمایش کار می‌کردند با کارگردانی «آرپی آوانسیان»، تئاتر شهر را افتتاح می‌کنند. با یک اثر درخشان آن موقع از «انتوان چخوف» به اسم «باغ آلبالو» که در دوره خودش جزء آثار موفق بود، نوآوری‌هایی در فعالیت‌های تئاتری شد. به‌دلیل کمبود نیرو، تئاتر شهر دو، سه دوره تعطیل می‌شود، یعنی سال ۵۰، ۵۱ و دو اثر روی صحنه می‌آورد ولی به دلیل آنکه اصلاً نیرویی ندارد که بتواند در تئاتر شهر کار کند، این مکان دو، سه سال تعطیل شد و به‌امور اداری سازمانی که مربوط به تلویزیون بود، تبدیل می‌شود. این مکان در سال ۵۴ مجدداً بازسازی شده و از «علی رفیعی» دعوت می‌کنند به‌عنوان مدیر تئاتر شهر کار کند و به این ترتیب دو، سه کار او و گروهی که تشکیل می‌دهد، در آنجا روی صحنه می‌رود. «آرپی آوانسیان» هم آن دوره در پارکینگ تئاتر شهر، مکانی را به سالن تئاتر کوچک‌تر تبدیل می‌کند به نام «چارسو» که در آنجا هم یک گروه مستقل تشکیل می‌دهند و دو، سه تئاتر هم کار می‌کنند.

درجمع‌بندی کلی تولید آثار تئاتری در حدود دو دهه ۴۰ و ۵۰ که تئاتر مجدداً رونق می‌گیرد، شاید نزدیک به ۳۰ اثر نمایشی‌روی صحنه می‌رود و چند اثر هم ضبط تلویزیونی می‌شود، اما فعالیت‌های استودیویی تلویزیون مجدداً براساس این نیروهای فعال‌فعل می‌شودو چندسریال باحضور حرفه‌ای‌هایی‌مانند«پرویز صیاد»

«پرویز کردان» و... تحت عنوان گروه‌های مستقل برنامه‌سازی ساخته می‌شوند.

تئاتری‌ها به تلویزیون می‌روند

تلویزیون ملی در سال ۴۴،۴۵ افتتاح می‌شود و مدیران آن دوره تلویزیون برای کارهای تلویزیونی و استودیویی خود به نیروهای تولیدی نیاز داشتند. طبیعتاً نیرو تربیت شد. درکنار تلاش‌ها برای تقویت بخش‌های فنی تولید آثار هنری، به‌منظور اینکه بتوانند تولیدات داخلی داشته باشند، در این حوزه سرمایه‌گذاری کردند و به‌طور طبیعی، یک تئاتری در تلویزیون شکل گرفت که بیشتر مربوط به فعالیت تلویزیونی و کار استودیویی بود. این آموزش‌ها و تربیت متخصص در زمینه تولید آثار تلویزیونی، چند سالی طول کشید، مثلاً از سال ۴۶ به بعد، آرام‌آرام نیروهایی که اینها تربیت کردند، موفق شدند که در تلویزیون کار کنند. درکنسار این، یکی، دو واحد فعالیت تئاتری هم شکل گرفت که یکی‌اش واحد نمایش تلویزیون بود و یک‌جایی هم به اسم کارگاه نمایش به وجود آمد که در آنجا بیشتر تئاترهای تجربی و آوانگارد کار می‌کردند، ولی کارهایشان بیشتر روی صحنه می‌رفته و ضبط تلویزیونی به‌جز دو، سه کار اولیه نداشتند. این‌گونه بود که فرصت حضور تئاتری‌ها در تلویزیون هم شکل گرفت.

انقلاب و هنرهای نمایشی

بنا بر همان ظریف‌ت دو، سه میلیون نفری جمعیت تهران و فضاهای آن موقع، این تعداد نیروهای هنری شکل گرفتند. زمانی که وارد انقلاب اسلامی می‌شویم، این مراکز نمایشی خودبه‌خود تعطیل می‌شوند و هنرمندان خود را آماده می‌کنند تا در شرایط جدید انقلابی، آثاری را هم روی صحنه ببرند و اگر شرایط مناسب باشد، در تلویزیون کار کنند. فعالیت‌های تئاتر در ابتدای انقلاب پراکنده بود، مثلاًتئاتر سنگلج تعطیل شده بود که آن‌موقع به آن «۲۵شهرپور» می‌گفتند، اما در تئاتر شهر می‌توانستید به تولید آثار تئاتری ادامه دهید و شاید در دو، سه سال اول انقلاب، تئاتر شهر پررونق‌ترین مرکز فعالیت‌های تئاتری بود که گروه‌های خیلی زیادی در آنجا حضور داشتند و کارنامه خیلی درخشانی هم در حوزه تولیدات تئاتری از آن دوران وجود دارد. اما تلویزیون به‌طور کلی ساخت و‌سازش تعطیل می‌شود؛ بخشی از آن عواملی که بودند، پاک‌سازی و بخشی دیگر هم بازنشسته می‌شوند و بخشی هم به خارج می‌روند. البته دست‌هایی هم تصمیم داشتند که نگذارند تولید آثار تلویزیونی رونق بگیرد. در آن دوره چند گروه هستند که اینها به‌سختی در تلویزیون کار می‌کنند و برنامه‌هایی می‌سازند. از جمله خودم شامل آن گروه می‌شوم که سعی کردم آن استودیوهای تعطیل شده تلویزیون را با همکاری نیروهایی که مانده بودند، مجدداً اندازه‌ای کنیم. مجموعه آثار تئاتری را به‌طور پراکنده ضبط تلویزیونی کرده و پخش کردیم. در پنج سال اول انقلاب، حدود ۲۰ اثر تئاتر تلویزیونی تولید شد و مربوط به همان هنرمندانی است که در ایران مانده بودند. این حجم تولیدات برای دوره‌ای است که تولید یک اثر هنری به‌سختی صورت می‌گرفت چون هنوز آن شرایط تولید آثار تلویزیونی، سازوکار لازم را پیدا نکرده بود.

رشد تئاتر تلویزیونی در دهه ۶۰ و سقوط در دهه۷۰

بعد از سال‌های ۶۵ و ۶۶، آرام‌آرام تولیدات تلویزیونی سروسامان گرفت. در آن شرایط موفق شدم تئاتر تلویزیونی «مدرس» را کار کنم و گروه‌های دیگری شکل گرفتند که وارد تولید کارهای تلویزیونی شدند. اواخر دهه ۶۰، تلویزیون

فرهنگ

نگاهی به احوالات این روزهای هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با ۳ هنرمند تئاتری

رکود تورمی در تئاتر



دیگر آماده شده بود تا مجدداً تولیدات خوب استودیویی داشته باشد و کار کند؛ منتها با عوض شدن مدیریت آن‌زمان سازمان، محمد هاشمی که جزء مدیران اولیه تلویزیون بودند و بعد با تغییر مدیریت و سیاست‌ها، مجدداً فعالیت‌های استودیویی تلویزیون کم شد و همین معدود تئاترهایی هم که در دهه ۶۰ کار می‌شد دیگر در دهه ۷۰ نداشتیم، یعنی تولید و حضور تئاتری‌های در تلویزیون دهه ۷۰ به حد قابل رسید. آنها معتقد بودند دربرین‌های تلویزیون را باید بیرون بیاورند و تولیداتی بیشتر شبیه به فیلم داشته باشند تا اینکه تولید استودیویی و ضبط تلویزیونی را در پیش گیرند. همین سیاست سبب شد نزدیک به ۱۰ سال، تئاتر در تلویزیون رکود کامل داشته باشد و اثری تولید نشود.

تئاتر تلویزیونی متوقف شد

از دهه ۸۰، این نیاز در تلویزیون حس می‌شود که مجدداً کارهای استودیویی انجام دهند، اما همچنان تولید تئاتر تلویزیونی متوقف شده است. دلایل مختلفی وجود دارد که فعالیت تلویزیونی تئاتر به‌طور کلی متوقف شد و مهم‌ترین آن، عدم شناخت مدیران بالادستی صداوسیما بود. آنها ترجیح می‌دادند کمتر وارد درگیری‌های تولید استودیویی شوند و همچنین ترجیح دادند آثاری را تصویب و بودجه‌بندی کنند که بیرون از سازمان و به تهیه‌کننده بسپارند و آنها هم آن آثار را بیزند خارج از فضای استودیوهای تلویزیونی بسازند. این اتفاق، در همه‌جای دنیا از استاندارد برنامه‌سازی تلویزیونی خارج است چراکه باعث می‌شود، لطمه سنگینی به تولیدات تلویزیونی در حوزه نیروی انسانی بخورد؛ ضمن اینکه در چنین شرایط کاری‌ای، هنرمندان بسیار خوبی که آماده بودند جلوی دوربین رفته و کار کنند را هم از دست می‌دهند و درنهایت هم، تولید به آن شکلی که در سیما لازم بوده، ساخته نمی‌شد. این سیاست تا به امروز هم ادامه دارد، یعنی متأسفانه زمانی که مدیران اصلی شبکه‌ها، این ضرورت‌ها را احساس و نتکنند اصلاً برنامه‌سازی تلویزیون ربطی به این کارهایی که انجام می‌دهند، ندارد و راه‌هایی که ظرف ۲۰، ۳۰ سال گذشته رفته‌اند اشتباه بود، تولیدات تلویزیونی‌مان رونق نخواهد گرفت و بحران‌هایش هم روزبه‌روز بیشتر می‌شود که الان هم شاهد آن هستیم؛ هم بیننده‌هایمان و هم کیفیت آثار هنری در سریال‌سازی را از دست داده‌ایم.

میکائیل شهرستانی (مدرس و فعال تئاتر) حال تئاتر بسیار بد است...



پدرم خدابامرز هرچه پیش می‌آمد، این تکیه کلامش بود: «کار

انگلیسی‌هاست... نمی‌دانم کار چه کسانی است ولی تئاتر این روزها، اصلاً حال و روز درست و بسامانی ندارد... که طبیعی است. جریان‌ی راه انداخته شده (البته چندین سال است) که با تقلیل بودجه تئاتر، راه را برای حضور چهره‌هایی بنجل، ناز‌موده و آموزش‌ندیده به تئاتر باز کنند و متقدمان، پژوهشگران و جریان‌سازهای تئاتر را خانه‌نشین یا افسرده کرده، کنار بگذارند یا فراری دهند... چون بودجه به یک‌چهارم تقلیل یافته، چطور می‌توانیم هم تئاتر داشته باشیم و پُرش را ضمناً بدهیم، هم هزینه نکنیم، پس با حضور آدم‌هایی مشکوک و آوردن سرمایه‌هایی بادآورده و ریخت‌پوش (که پر واضح است به چه قصد و هدفی است) و با حضور همان چهره‌ها که پیشتر عرض کردم «خونی تازه» به این تئاتر رو به موت می‌دهیم... تئاتری لاچپری که همه‌چیز در اختیار دارد. از بیلبوردهای آن چنانی‌که سازمان زیباسازی شهرداری در اقصی نقاط شهر در اختیارشان می‌گذارد تا بخش خبرهای متفاوت‌گاه به‌ظاهر منفی! و گاه مثبت و امتیازاتی که از مجوز دادن به این اعمال خلاف عرف و قانون از سوی مسئولان بدان‌ها داده می‌شود. درحالی‌که تو باید با سخت‌ترین و غیرمتعارف‌ترین شرایط تنها دست‌وپنجه نرم کنی تا مثلاً حرفت را بزنی که ضروری می‌دانی و فقط برای ریا کاری و عوام‌فریبی نیست و با ترس‌های بی‌شمار، هر شبت را سپری کنی که مبادا به تریخ قبای کسی بر بخورد و فردا نق به جانت نزنند... هیچ ارگان و سازمان به‌ظاهر فرهنگی هم تَره برایت خرد نکند که خود گرفتار سستیز یا کسری بودجه و دشواری‌های فراوانی است که نمی‌داند چگونه مهندسی‌اش کند و همه می‌دانیم که همه‌مان بدان مبتلا هستیم.

بله، تئاتر از نظر کمیت بسیار رشد کرده اما کیفیت‌شان را هم می‌توانیم با کارهای سال‌های بسیار دور مقایسه کرد؟ بی‌تردید نه و فراموش نکنیم چهره‌هایی که سینمای دیروز و امروز مدیون‌شان است از همان تئاترهای متفاوت اما باکیفیت فوق‌العاده سر برآوردند... اگر پیشترها، تئاتر هنر ملی، کارگاه نمایش، تئاتر لاله‌زار و گروه‌های متفاوت اداره برنامه‌های تئاتر، خالق بهترین نمایش‌ها در سطح شهر بودند که سر منشأ بسیاری از تحولات و شیوه‌های نوین نمایشی بودند، امروز باید به چه‌چیز بی‌ایم و کدام تحول چشمگیر راضی‌مان کند... نه، حال تئاتر بسیار بد است، بدتر از آنکه فکرش را کنیم.

داوود فتحعلی‌بیگی، هنرمند پیشکسوت تئاتر آیینی دانشگاه‌ها، تئاتر آیینی را به رسمیت نمی‌شناسند



یکی از برکات هنر در سال‌های پس از انقلاب، جدی‌شدن و فعالیت‌پرزنگ تئاترهای آیینی است که این را هم باید به پای روشنگری‌هایی گذاشت که این هنر برای تئاتر آیینی ما به وجود آورد. البته باید به این نکته هم توجه کرد که در سال‌های پیش از انقلاب نیز تئاتر آیینی وجود داشت و از قضا، به دلیل زنده بودن فعالان این عرصه و کسانی که نمودهای دیگر این هنر را تجربه کرده بودند، از اصالت بیشتری نیز برخوردار بود حتی در سال‌های منتهی به انقلاب هم یک سمپوزیوم تئاتر آیینی در اصفهان برگزار شد که به دلیل نارضایتی از این هنر، این‌گونه حرکات برای سال‌های آتی ادامه پیدا نکرد.

پس از انقلاب، این شاخه از تئاتر، همچنان ادامه یافت و نمی‌توان این‌طور فرض کرد که این هنر در برهه یا دهه‌ای با اقبال بیشتری مواجه بوده یا مثلاً تئاتر آیینی امروز به نسبت سالیان قبل، کم‌رنگ‌تر شده است. اتفاقاً درحال حاضر بچه‌های علاقه‌مند به این هنر، در گوشه و کنار ایران مشغول هستند و حتی چند نفر از آنها، این هنر را در قالب کارگاه، در خارج از کشور برگزار می‌کنند. آنچه سبب زنجش همه‌ماست آن است که تا زمانی که این هنر در قالب یک نظام چارچوب‌مند اداری نگنجد، خیلی‌ها آن را جدی نمی‌گیرند.

درحال حاضر، دانشگاه‌ها، تئاتر آیینی را به همین دلیل به رسمیت

نمی‌شناسند که این هم به دلیل عدم شناخت و آگاهی آنان از این نوع تئاتر است وگرنه آنها چه استدلالی می‌توانند در عدم به رسمیت‌شناختن این‌گونه تئاتر داشته باشند؟ آخر کدام آدم وطن‌پرستی را می‌شناسید که

فرهنگ ملی و میهنی خود را به رسمیت نشناسد؟ من چند شب پیش با یکی از فعالان این عرصه صحبت می‌کردم. او گفت که در چند کشور توانسته کارگاه‌های آموزش تئاتر آیینی ایران را با موفقیت برگزار کند. حالا در چنین شرایطی، ناراحت‌کننده نیست که تئاتر آیینی کشور ما در آفریقا و استدار و بر طردار دارد اما آن‌وقت این هنر از سوی دانشگاه‌های ما به رسمیت شناخته نمی‌شود؟!

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر

فرهنگ‌تئاتر